

Original Paper

An Analysis of Parables in Verses 275 to 286 of Surah Al-Baqarah in Shaykh Tusi's Tafsir Tibyan

Zahra Jafarzadeh¹, Seyed Ataollah Eftekhari^{2*}, Ali Nazari³

Abstract

Allegory is one of the rhetorical tools used in the Qur'an to convey abstract and complex concepts to the audience. This paper examines the allegories in verses 275 to 286 of Surah Al-Baqarah and analyzes their role in the interpretation of "Al-Tibyan" by Sheikh Tusi. In Qur'anic exegesis, allegories are often used as a tool to clarify complex concepts and establish more effective communication with the audience. However, in older interpretations such as "Al-Tibyan," the direct examination of allegories has been less emphasized. The aim of this study is to explore how allegories are used in the interpretation of these verses and to demonstrate how Sheikh Tusi utilized them to facilitate the understanding of Qur'anic concepts. The significance of this research lies in the fact that, given the complexity of Qur'anic concepts, studying allegories can contribute to a better and deeper understanding of the Qur'anic verses. The results of this research show that, although Sheikh Tusi did not directly mention allegories, an analysis of the vocabulary and sentence structure reveals the presence of metaphorical, narrative, and allegorical allegories, which help explain complex concepts and establish emotional connections with the audience. This research will help scholars gain a better understanding of the application of allegories in the interpretation of the Qur'an.

Keywords: Qur'anic Allegories, Al-Tibyan Interpretation, Content Analysis, Verses of Surah Al-Baqarah

1. Department of Persian and Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. jzry365@gmail.com
2. Corresponding Author, Department of Persian and Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. s.a.eftekhari74@gmail.com
3. Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. alinazari2002@gmail.com

Please cite this article as (APA): Jafarzadeh, Zahra, Eftekhari, Seyed Ataollah, Nazari, Ali. (2025). An Analysis of Parables in Verses 275 to 286 of Surah Al-Baqarah in Shaykh Tusi's Tafsir Tibyan. *Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature*, 17(64), 76-92.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 64/ Summer 2025

Receive Date: 29-07-2025

Accept Date: 01-09-2025

First Publish Date: 23-08-2025

مقاله پژوهشی: بررسی تمثیلات آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره در تفسیر

تبیان شیخ طوسی

زهره جعفرزاده^۱، سید عطاء اله افتخاری^۲، علی نظری^۳

چکیده

تمثیل یکی از ابزارهای بلاغی قرآن کریم است که برای انتقال مفاهیم انتزاعی و پیچیده به مخاطب استفاده می‌شود. این مقاله به بررسی تمثیلات در آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره پرداخته و نقش آن‌ها را در تفسیر "التبیان" شیخ طوسی مورد تحلیل قرار می‌دهد. در تفسیر قرآن، تمثیل‌ها اغلب به عنوان ابزاری برای روشن ساختن مفاهیم پیچیده و ارتباط مؤثرتر با مخاطب مطرح می‌شوند. اما در تفاسیر قدیمی مانند "التبیان"، بررسی دقیق تمثیلات به‌طور مستقیم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف این تحقیق، بررسی نحوی استفاده از تمثیلات در تفسیر این آیات است تا نشان دهد چگونه شیخ طوسی از آن‌ها برای تسهیل درک مفاهیم قرآن بهره برده است. اهمیت این تحقیق در آن است که با توجه به پیچیدگی مفاهیم قرآنی، بررسی تمثیل‌ها می‌تواند به فهم بهتر و عمیق‌تر از آیات قرآن کمک کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه شیخ طوسی به‌طور مستقیم به تمثیلات اشاره نکرده است، با تحلیل واژگان و ساختار جمله‌ها می‌توان به وجود تمثیلات تشبیهی، حکایتی و استعاری پی برد که به تبیین مفاهیم پیچیده و ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب کمک کرده‌اند. این تحقیق به پژوهشگران کمک می‌کند تا درک بهتری از کاربرد تمثیل‌ها در تفسیر قرآن پیدا کنند.

کلیدواژه‌ها: تمثیلات قرآنی، تفسیر تبیان، تحلیل محتوایی، آیات سوره بقره

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی و عربی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران jzry365@gmail.com

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی و عربی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران s.a.eftekhari74@gmail.com

۳- گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران alinazariy2002@gmail.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: جعفرزاده، زهره، افتخاری، سید عطاء اله، نظری، علی. (۱۴۰۴). بررسی تمثیلات آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره در تفسیر تبیان شیخ طوسی. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۷(۶۴)، ۷۶-۹۲.



حق مؤلف © نویسنده‌گان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و چهارم / تابستان ۱۴۰۴ / از صفحه ۹۲-۷۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

مقدمه

ادبیات ابزاری قدرتمند برای انتقال مفاهیم پیچیده و گاه دست‌نیافتنی به شمار می‌آید، در میان ابزارهای زبانی، تشبیه، استعاره و تمثیل سه رکن اساسی است که نویسندگان و گویندگان به کمک آن‌ها می‌توانند مرزهای درک انسانی را گسترش دهند، این ابزارها، هر یک به شیوه‌ای خاص، تصاویری ذهنی و معانی عمیقی را در ذهن مخاطب خلق می‌کنند، تشبیه ساده‌ترین شکل این ابزارهاست که با برقراری شباهت‌های آشکار میان دو چیز، درک معانی را تسهیل می‌کند، استعاره، با پیچیدگی و خلاقیت بیشتری، این شباهت‌ها را به‌صورت پنهان و هنری‌تر بیان می‌کند اما تمثیل که گسترده‌ترین و روایت‌محورترین شکل از این ابزارهاست، مفاهیم انتزاعی را در قالب داستان‌ها و مثال‌های نمادین به مخاطب منتقل می‌کند و او را به درکی جامع‌تر و عمیق‌تر از معنا می‌رساند.

در قرآن کریم، تمثیل به‌عنوان یکی از شاهکارهای بلاغی شناخته می‌شود، این ابزار، نه‌تنها زیبایی آیات را دوچندان می‌کند، بلکه ارتباط عمیقی میان معانی الهی و تجربه‌های انسانی برقرار می‌سازد، تمثیل از ویژگی منحصربه‌فرد خود بهره می‌برد تا مفاهیم اخلاقی و اعتقادی را با زبانی ملموس، قابل‌فهم و جذاب ارائه کند، همین ویژگی، تمثیل را به ابزاری ارزشمند برای انتقال پیام‌های چندلایه قرآن تبدیل کرده است، همچنین، تمثیل به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی به‌کار رفته است که نه‌تنها زیبایی ادبی آیات را دوچندان می‌کند، بلکه به فهم بهتر و عمق بخشیدن به مفاهیم الهی و اخلاقی کمک می‌کند، تمثیل با استفاده از تصاویر و داستان‌های ملموس، توانایی دارد که مفاهیم پیچیده را به شکلی ساده و قابل‌درک برای مخاطب بیان کند، این ابزار بلاغی از ارتباط نزدیک با تشبیه و استعاره برخوردار است. تشبیه، همان‌طور که از نامش پیداست، به‌طور مستقیم شباهت بین دو چیز را با استفاده از واژگانی چون "مثل" و "همچون" بیان می‌کند و ارتباط ساده‌ای را میان مشبه و مشبه‌به به وجود می‌آورد، از سوی دیگر، استعاره رویکردی پیچیده‌تر و هنری‌تر دارد؛ در آن، مقایسه به‌صورت غیرمستقیم و بدون ابزارهای آشکار انجام می‌شود، در استعاره، یک مفهوم جایگزین مفهومی دیگر می‌شود تا شباهت‌های پنهان میان آن‌ها نمایان شود.

این مقاله به بررسی تمثیلات آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره اختصاص دارد، هدف اصلی، تحلیل جنبه‌های ادبی و محتوایی این آیات و روشن کردن تأثیر این تمثیلات بر انتقال پیام‌های اخلاقی و الهی است، این تحلیل همچنین به فهم عمیق‌تر از بلاغت قرآن و جایگاه بی‌نظیر آن در ادبیات کمک می‌کند.

بیان مسأله:

تمثیل یکی از روش‌های بلاغی است که در انتقال مفاهیم پیچیده به مخاطب تأثیر بسزایی دارد. در قرآن کریم، تمثیلات نه تنها ابزار زیبایی‌شناسی بلکه راهی برای رساندن پیام‌های اخلاقی و الهی است، آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره شامل تمثیلاتی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که این آیات با مباحث اقتصادی، اعتقادی و اخلاقی گره خورده‌اند. با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه تمثیلات قرآنی، تحلیل تطبیقی این آیات در تفسیر *التبیان* شیخ طوسی و سایر تفاسیر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش تلاش می‌کند با بررسی تطبیقی و تحلیلی، نقش تمثیل را در این آیات آشکار کرده و تأثیر آن بر درک مفاهیم قرآنی را توضیح دهد.

برای درک بهتر این مفهوم، لازم است ابتدا به تعریف تمثیل پرداخته و انواع آن را مورد بررسی قرار دهیم. تمثیل یکی از شیوه‌های انتقال غیرمستقیم مفاهیم است که با بهره‌گیری از عناصر داستانی و تصویری، معانی انتزاعی را به صورتی ملموس ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، تمثیل راهی برای نزدیک کردن مفاهیم دشوار به ذهن مخاطب از طریق تشبیه و استعاره است.

تمثیل به معنای "تشبیه معقول به محسوس مرکب" است (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۹). و اغلب با تشبیه تمثیلی و ارسال‌المثل هم‌معنی تلقی می‌شود به عبارتی "تمثیل، حاصل یک ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه‌به است، به‌گونه‌ای که در آن، اصل بر ذکر مشبه‌به است و مخاطب از آن، به مشبه پی می‌برد" (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۶). همچنین تمثیل‌ها در اشکال مختلفی همچون تمثیل‌های فلسفی، دینی، اخلاقی و اجتماعی دیده می‌شوند (اکبری و طایفی، ۱۳۹۴). این تنوع در گونه‌های تمثیل نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری بالای این شیوه بیانی در انتقال مفاهیم گوناگون است.

حکایت تمثیلی نوعی روایت است که در آن شخصیت‌های انسانی یا غیرانسانی (مانند حیوانات یا اشیاء) با ویژگی‌های انسانی توصیف می‌شوند تا مفهومی خاص را به خواننده منتقل کنند (اکبری و طایفی، ۱۳۹۴). این نوع تمثیل به دلیل سادگی و ملموس بودن، در ادبیات تعلیمی و آموزه‌های دینی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

تشبیه، استعاره و تمثیل سه ابزار ادبی قدرتمند برای انتقال مفاهیم پیچیده به زبان ساده هستند. "تشبیه، ساده‌ترین شکل مقایسه است و شباهت دو چیز را به طور مستقیم نشان می‌دهد" (ریگی، ۱۳۸۶: ۱۷۵۰). استعاره تمثیلیه، یعنی "به کار رفتن لفظی درغیر معنای حقیقی خود" که شباهت را به صورت ضمنی و با جایگزینی یک مفهوم به جای مفهوم دیگر بیان می‌کند (قادری، ۱۳۹۲: ۲۵). تمثیل با تمرکز

بر جزئیات مشبه و وجوه شباهت، به طور مؤثری ابعاد معنایی و تصویری را در روایت‌ها ارائه می‌دهد و این ارتباطات به عمق و غنای تمثیل‌ها کمک می‌کند. به همین دلیل، بسیاری از آموزه‌های دینی و فلسفی در قالب تمثیل بیان شده‌اند تا مخاطبان عام و خاص بتوانند به راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

تمثیل، از نظر (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴)، کامل‌ترین شکل این سه ابزار است و با استفاده از داستان‌ها و روایت‌ها، مفاهیم را به صورت ملموس و جذاب منتقل می‌کند، این تمایز نشان می‌دهد که تمثیل، بیش از تشبیه و استعاره، قابلیت انتقال پیام‌های پیچیده در قالب روایات و حکایات را دارد.

تمثیل‌های قرآنی شامل تمثیل‌های مرسل، تمثیل‌های حکایتی اخلاقی، تمثیل‌های تشبیهی و تمثیل‌های استعاری هستند. "استفاده از تمثیل‌ها به تفکر و تعقل مخاطبان کمک کرده و مفاهیم عمیق را به طور ملموس و جذاب بیان می‌کند" (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۵۴). این ویژگی موجب شده است که قرآن بتواند مفاهیم انتزاعی همچون ایمان، تقوا و کفر را در قالب مثال‌های ساده و قابل فهم برای مخاطبان عرضه کند.

به طور کلی، قرآن کریم از تمثیل‌ها برای اهدافی همچون هدایت مردم، عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان، تفکر و اندیشیدن، اتمام حجت، تذکر و پند و اندرز، سرمشق و آیت، و فهماندن حقیقت توحید و شرک بهره برده است (رضازاده و شاه‌رودی، ۱۳۹۱). این اهداف نشان‌دهنده عمق و گستردگی کارکرد تمثیل در قرآن است که تنها محدود به زیبایی‌های ادبی نیست، بلکه ابزاری برای تعلیم و هدایت است.

هدف:

این پژوهش در پی تحلیل تطبیقی تمثیلات آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره در تفسیر التبیان و سایر تفاسیر با هدف درک بهتر نقش تمثیل در انتقال مفاهیم قرآنی است، هدف اصلی آن، مقایسه تحلیل تمثیلات آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره در تفسیر التبیان با دیگر تفاسیر مانند المیزان و نمونه است، شیخ طوسی در تفسیر "التبیان"، بیشتر به تحلیل واژگان و توصیف مفاهیم پرداخته و به طور مستقیم به تمثیلات نپرداخته است، بنابراین، این تحقیق به تحلیل تطبیقی تمثیلات با استفاده از منابع بلاغی و تفسیری دیگر، به‌ویژه تفسیر المیزان و نمونه، خواهد پرداخت، ساختار و روش تفسیر "التبیان" شامل مقدمه‌ای درباره علم تفسیر و مبانی آن، تفسیر آیات قرآن به ترتیب، بررسی مسائل فقهی و کلامی

مرتبط و جمع‌بندی نهایی است، روش تفسیر آن شامل تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی، تفسیر به وسیله اقوال مفسران، و تحلیل لغوی و نحوی می‌باشد. (کمرهای، ۱۳۹۸: ۴۵)

ضرورت:

با توجه به اهمیت روزافزون مطالعات قرآنی و کمبود پژوهش‌های تطبیقی در زمینه تمثیلات، این پژوهش می‌تواند گامی مؤثر در تبیین جنبه‌های بلاغی و محتوایی آیات مورد نظر باشد و به درک بهتر آموزه‌های قرآنی به مخاطبان کمک کند.

روش تحقیق:

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است و داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و منابع الکترونیک گردآوری شده‌اند.

پیشینه تحقیق:

- ۱- رضایی و نجم‌الدین (۱۳۹۵): در مقاله "نقش ادبیات تمثیلی در تفسیر سوره حمد از دیدگاه شیخ طوسی"، به تحلیل بلاغت تمثیلات در تفسیر التبیان پرداخته شده است، این پژوهش به بررسی ساختار بلاغی و تحلیل لغوی تمثیل‌ها پرداخته است
- ۲- حسینی و حسینی (۱۳۹۶): در مقاله "بررسی تطبیقی تشبیهات و تمثیلات در تفاسیر"، به تطبیق تشبیهات و تمثیلات در تفاسیر المیزان و نمونه پرداخته شده است
- ۳- طهماسبی و محمدکاظم (۱۳۹۷): پژوهش "تأثیر ادبیات تمثیلی بر انتقال مفاهیم عمیق سوره حمد در تفسیر التبیان"، به تحلیل تطبیقی تأثیر تمثیلات در انتقال پیام‌های قرآنی پرداخته است.
- ۴- موسوی و رضایی (۱۳۹۸): در مقاله "بررسی نقش بلاغت در تفسیر سوره حمد از دیدگاه شیخ طوسی"، به بررسی جنبه‌های بلاغی و کاربرد تمثیلات پرداخته شده است
- ۵- تقوی و محمدی (۱۴۰۰): در پژوهش "بررسی تمثیلات قرآنی در تفاسیر مختلف و تحلیل تطبیقی آنها"، تطبیق تمثیلات در تفاسیر گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است

جنبه نوآوری:

این پژوهش با تمرکز بر تمثیلات آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره در تفسیر التبیان، به‌طور خاص به مقایسه تطبیقی آن‌ها با سایر تفاسیر همچون المیزان و نمونه می‌پردازد، این مطالعه به‌ویژه در بررسی

ساختار و محتوای تمثیلات این آیات و تحلیل تأثیر آن‌ها بر انتقال مفاهیم دینی نوآوری دارد و از این منظر، تاکنون پژوهش جامعی ارائه نشده است.

بررسی آیات:

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷۵)

تمثیل تشبیهی:

در این آیه تمثیل تشبیهی وجود دارد، رباخواران به "کسانی که شیطان آن‌ها را به زمین می‌زند" تشبیه شده‌اند، این تشبیه به منظور نشان دادن از دست رفتن تعادل روحی و جسمانی رباخواران به کار رفته است، همان‌طور که فردی که تحت تأثیر وسوسه‌های شیطان قرار می‌گیرد تعادل خود را از دست داده و سقوط می‌کند، رباخوار نیز به دلیل ارتکاب این گناه، دچار آشفتگی و پریشانی روحی و روانی می‌شود و تعادل زندگی‌اش را از دست می‌دهد.

به نظر علامه طباطبائی ربا موجب افزایش هزینه‌ها و عدم تعادل در درآمد بدهکار می‌شود که به نابودی زندگی او می‌انجامد. رباخواران تفاوتی میان معاملات مشروع و نامشروع نمی‌بینند، که آثار منفی بر جامعه دارد، همچنین، تشبیه رباخوار به دیوانه‌ای که به علت تأثیرات شیطان جنون گرفته، به این معناست که برخی اشتباهات ناشی از اختلالات طبیعی است و نمی‌توان آن‌ها را به تأثیرات شیطانی مستقیم نسبت داد، در نهایت، نگرش خداپرستان نسبت به عوامل طبیعی و الهی و تأثیر آن‌ها در زندگی به عدالت الهی نزدیک‌تر است (طباطبائی، ۱۳۷۴).

شیخ طوسی این تشبیه را به معنای عدم اعتدال در رفتار رباخواران تفسیر کرده و آن را به ناتوانی روحی و روانی آنان نسبت می‌دهد، او وضعیت رباخوار را به کسی تشبیه می‌کند که تحت تأثیر شیطان دچار جنون می‌شود علاوه بر این، در همین آیه، ربا به معامله تشبیه شده است؛ این تشبیه به منظور انکار حرام بودن ربا توسط رباخواران به کار رفته است، (طوسی، ۱۴۰۴).

می‌توان چنین استنباط کرد شیخ طوسی نیز به این نکته اشاره کرده است که رباخواران با تشبیه ربا به معامله، سعی دارند حرام بودن آن را پنهان کنند؛ درحالی‌که تفاوت‌های اساسی بین ربا و معامله وجود دارد

تمثیل حکایتی:

در این حکایت، رباخواران به مثابه افرادی سرگردان و بی‌هدف در زندگی معرفی شده‌اند که در تاریکی جهل و گمراهی گرفتار آمده‌اند و شیطان بر آن‌ها مسلط شده است، در مقابل، کسانی که از ربا دوری می‌کنند و به سوی خدا بازمی‌گردند، به‌عنوان افرادی سعادتمند و رستگار به تصویر کشیده شده‌اند، از نظر علامه طباطبائی، هدف این حکایت هشدار به مردم درباره گناه ربا و ترساندن آن‌ها از عذاب الهی است؛ همچنین بشارتی است برای کسانی که از ربا توبه کرده و به سوی خدا بازمی‌گردند (طباطبائی، ۱۳۷۴)

می‌توان چنین استنباط کرد که، شیخ طوسی نیز این حکایت را ابزاری برای تشویق مردم به دوری از گناه ربا و توبه توصیف می‌کند، او تأکید دارد که تقابل میان سرنوشت رباخواران و توبه‌کنندگان در این تمثیل به‌خوبی به تصویر کشیده شده است.

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶)

تمثیل تشبیهی:

در این تمثیل، ربا به "چیزی که محو و نابود می‌شود" تشبیه شده است، این تشبیه برای بیان بی‌برکتی و بی‌ثمر بودن ربا به کار رفته، علامه طباطبائی توضیح می‌دهند که این کلمه به معنای تدریجاً فانی شدن چیزی است، در مقابل آن، کلمه «اربا» که به معنای رشد و افزایش است، به نحوی نشان‌دهنده تفاوت‌های بنیادی بین صدقات و ربا می‌باشد، طباطبائی در این زمینه می‌فرماید: "کلمه محق به فتحه میم و سکون حاء و قاف مصدر فعل (یمحق) و به معنای نقصان پی در پی است بطوری که آن چیزی که محق می‌شود تدریجاً فانی شود و در مقابل کلمه ارباء که مصدر فعل یربی است به معنای نمو و رو به زیادت نهادن" (طباطبائی، ۱۳۷۴)

می‌توان چنین استنباط کرد که شیخ طوسی این تشبیه را برای بیان برکت و پاداش‌های عظیم صدقات در نظر می‌گیرد و تأکید می‌کند که صدقات نه تنها در آخرت بلکه در دنیا نیز باعث افزایش برکت، محبت، امنیت، و رشد مال می‌شود. این رشد و افزایش محبت به‌عنوان یکی از اثرات صدقه، به‌طور مستقیم از امنیت، حسن تفاهم و اتحاد اجتماعی بهره‌برداری می‌کند.

تمثیل حکایتی:

در این حکایت، ربا به مثابه درختی خشک و بی حاصل معرفی شده است که هیچ ثمره‌ای برای صاحب خود ندارد و در نهایت نیز از بین می‌رود، در مقابل، صدقات به مثابه درختی پرثمر و پر بار تصویر شده‌اند که تا ابد باقی خواهد ماند، هدف از این حکایت، تشویق انسان‌ها به انفاق و صدقه در راه خدا و پرهیز از ربا و معاملات حرام است، به طور خاص.

در این میان، می‌توان استنباط کرد که ربا به‌ویژه در مواردی چون طلا، نقره، گندم، جو، خرما و نمک از دیدگاه شیخ طوسی، به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است، شیخ طوسی توضیح می‌دهد که این اقلام باید با همان مقدار و کیفیت تبادل شوند و هرگونه افزایش در این اشیا به طور قطعی حرام است. همچنین، پیامبر اکرم (ص) فرمودند که این مبادله باید به صورت "مثل به مثل" و "دست به دست" باشد، و درخواست هرگونه اضافه‌پرداخت در این موارد به عنوان ربا تلقی می‌شود.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۷)

تمثیل تشبیه:

در این آیه، عمل صالح به "میوه" تشبیه شده است تا به ارتباط مستقیم میان عمل صالح و پاداش آن اشاره کند، همانطور که میوه محصول درخت است و از آن بهره‌مند می‌شویم، عمل صالح نیز نتیجه‌ای مثبت و پاداشی عظیم در آخرت به همراه دارد.

از نظر علامه طباطبائی، رواج رفتارهایی مانند عفت یا بی‌عفتی در جامعه تأثیرات اجتماعی خاصی دارد؛ فرد بی‌عفت اگر به هنجار اجتماعی تبدیل شود، موانع و محذورات از بین می‌رود، اما آثار منفی آن همچنان باقی می‌ماند. ربای اجتماعی به دلیل رسمی شدن و رواج در قوانین بانکی، آثار منفی فردی مانند انزوای شخصی را ندارد، اما باعث تجمع ثروت و فقر عمومی می‌شود. این تفکیک طبقاتی موجب نابرابری و تأثیرات منفی اجتماعی می‌شود. قرآن تأکید دارد که ربا به نابودی می‌انجامد، در حالی که صدقه برکت و رشد ایجاد می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴).

می‌توان چنین استنباط کرد که شیخ طوسی این تشبیه را به معنای بیان برکت و ثواب عمل صالح در آخرت می‌داند به اعتقاد او، این تشبیه نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین عمل صالح و پاداش آن در نزد خداوند است.

تمثیل حکایتی:

در این حکایت، نیکوکاران به عنوان کاشت کنندگان معرفی شده‌اند که در زمین ایمان و تقوا، بذر عمل صالح را می‌کارند و از ثمره آن در بهشت بهره‌مند می‌شوند. از نظر علامه طباطبائی هدف از این حکایت، تشویق به انجام اعمال صالح و وعده دریافت پاداش الهی است (طباطبائی، ۱۳۷۴).

می‌توان استنباط کرد که شیخ طوسی این حکایت را به عنوان تبیین پاداش‌های اخروی برای نیکوکاران مورد تأکید قرار می‌دهد و بیان می‌کند که این تمثیل مشوقی برای پیروی از راه خدا و انجام اعمال صالح است، استفاده از واژه "أَجْرُهُمْ" (پاداش آنها) بیانگر ثواب و جزای الهی برای عمل صالح است، تأکید بر جمله "وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" بیانگر آرامش و اطمینان خاطر نیکوکاران در پرتو عمل صالح آنها است.

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۸۰)

تمثیل حکایتی:

در این آیه، طلبکار به عنوان فردی صبور و شکیبا معرفی شده است که به جای ظلم و تعدی به بدهکار معسر، به او مهلت می‌دهد تا بتواند بدهی خود را پرداخت کند، از نظر علامه طباطبائی، بدهکار معسر نیز به عنوان فردی متعهد و وظیفه‌شناس تصویر شده است که تلاش می‌کند تا در اسرع وقت دین خود را به طلبکار ادا کند، شیخ طوسی این حکایت را در جهت تشویق به حسن رفتار با بدهکاران و اهمیت صدقه و کمک به آنها تفسیر می‌کند. می‌توان استنباط کرد که شیخ طوسی این آیه را به عنوان تأکیدی بر اصل مدارا و کمک به نیازمندان در جامعه اسلامی در نظر می‌گیرد و آن را بخشی از نظام اقتصادی اسلام می‌داند که هدف آن جلوگیری از ظلم و ایجاد تعادل در روابط مالی میان افراد است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُنْ وَنِ تِجَارَةً حَاضِرَةً

تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَلَّا تَكْتُبُوْهَا وَاَشْهَدُوْا اِذَا تَبَايَعْتُمْ وَاَلَّا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَاَلَّا شَهِيدٌ وَاِنْ تَفْعَلُوْا فَاِنَّهُ فِسْ وَقٍ بِكُمْ وَاَتِ قَوْلَ اللّٰهِ وَ يَعْلَمُكُمْ اللّٰهُ وَاَللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ (۲۸۲)

تمثیل حکایتی:

این تمثیل به حکایت صبر و شکیبایی در قبال بدهکار معسر و آثار آن در زندگی می‌پردازد، شیخ طوسی این حکایت را برای تشویق به صبر و کمک به بدهکاران معسر و تأکید بر صدقه به‌عنوان عمل نیکو می‌داند.

زمخشری در "الکشاف"، آیه ۲۸۲ سوره بقره به‌عنوان یک تمثیل حکایتی معرفی می‌شود که در آن عدالت و دقت در امور مالی مورد تأکید قرار گرفته است این تمثیل به‌نوعی به اهمیت شفافیت در معاملات مالی اشاره دارد تا از بروز هرگونه نزاع و اختلاف جلوگیری شود. زمخشری این حکایت را به‌عنوان ابزاری برای آموزش اهمیت نوشتن قراردادهای مالی و تصریح بر جزئیات آن می‌داند تا افراد بتوانند حقوق خود را به‌طور شفاف و دقیق تعیین کنند و در نتیجه از مشکلات و دعوای مالی پیشگیری کنند. این تفاسیر نشان می‌دهد که زمخشری در تفسیر آیات قرآن با تأکید بر دقت در معاملات مالی، به اصول و قواعدی پرداخته که باعث تسهیل در رعایت انصاف و جلوگیری از هرگونه نقص و فساد در سیستم اقتصادی می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷) از نظر علامه طباطبائی در آیه‌ای به مومنان توصیه شده که در قرض دادن و گرفتن دقت کنند و از تضعیف حقوق دیگران پرهیز نمایند، با تأکید بر واژه‌های مهم مانند "تداین" و "بخس" (طباطبائی، ۱۳۷۴)

می‌توان چنین استنباط کرد که شیخ طوسی در این حکایت، ضرورت صبر و شکیبایی در مواجهه با مشکلات مالی را به‌خوبی تبیین می‌کند و بر اهمیت کمک به دیگران و رعایت حقوق آن‌ها تأکید دارد.

وَ اِنْ كُنْتُمْ عَلٰی سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدُوْا كَاتِبًا فَرِهَانَ مَّقْبُوْضَةٍ فَاِنْ اَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُوْدِّ الَّذِيْ اَوْثَمَنَ اَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهُ وَاَلَّا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَّكْتُمْهَا فَاِنَّهُ اِثْمٌ قَلْبُهُ وَاَللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ (۲۸۳)

تمثیل تشبیهی:

این تمثیل رهن را به وثیقه‌ای تشبیه می‌کند که در معاملات برای تضمین انجام تعهدات به کار می‌رود، این تشبیه برای بیان این است که همانطور که وثیقه در معاملات برای امنیت و اطمینان از انجام تعهدات استفاده می‌شود، رهن نیز برای تضمین پرداخت بدهی یا انجام تعهدات مالی به کار می‌رود. مکارم شیرازی در تفسیر نمونه خود به این نکته اشاره می‌کند که رهن باید به‌عنوان ابزاری برای تضمین حقوق طرفین و حفظ امانت‌ها در معاملات مالی به کار گرفته شود و باید با دقت و

انصاف اجرا گردد. او این تشبیه را برای توضیح اهمیت رهن و ضرورت رعایت عدالت در این گونه معاملات مطرح می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱)

می‌توان چنین استنباط کرد که شیخ طوسی نیز در تفسیر خود به این نکته اشاره می‌کند که رهن به‌عنوان وثیقه‌ای که در معاملات برای تضمین انجام تعهدات استفاده می‌شود، همانند امانت‌های عمومی و اجتماعی است که باید با دقت و امانت‌داری حفظ شوند، او این تشبیه را برای توضیح اهمیت رهن به کار می‌برد.

اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحْسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۸۴)

تمثیل حکایتی:

از نظر طباطبائی، در روز قیامت، انسان‌ها در برابر خداوند حاضر شده و از تمامی اعمال و افکار خود حسابرسی خواهند شد، خداوند به اختیار خود و بر اساس عدالت و حکمت خویش، برخی را می‌بخشد و برخی را مجازات می‌کند. هدف از این حکایت هشدار دادن به انسان‌ها در مورد حسابرسی اعمال در روز قیامت و ترغیب آنها به انجام اعمال نیک و پرهیز از گناه است (طباطبائی، ۱۳۷۴)

شیخ طوسی نیز در تفسیر خود به این نکته اشاره می‌کند که رهن، به‌عنوان وثیقه‌ای در معاملات، همانند امانت‌های عمومی و اجتماعی است که باید با دقت و امانت‌داری حفظ شوند. او این تشبیه را برای توضیح اهمیت رهن به کار می‌برد و تأکید دارد که همان‌گونه که امانت‌های عمومی نیازمند رعایت انصاف و دقت در نگهداری هستند، رهن نیز باید با احتیاط و عدالت مورد استفاده قرار گیرد (طوسی، ۱۴۰۴)

می‌توان چنین استنباط کرد، شیخ طوسی نیز به این حکایت تأکید می‌کند و آن را به‌عنوان نمایی از قدرت و علم مطلق الهی و عدالت و حکمت در حسابرسی اعمال معرفی می‌کند، او هدف این حکایت را ترغیب به انجام اعمال نیکو و پرهیز از گناه دانسته و بر اهمیت آگاهی کامل خداوند از اعمال انسان‌ها در روز قیامت می‌داند.

أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۲۸۵)

تمثیل تشبیهی:

در این آیه، ایمان به "قلعه" تشبیه شده است تا استحکام و نفوذناپذیری ایمان در برابر هجمه‌ها و وسوسه‌های شیطانی بیان شود، از نظر علامه طباطبائی همانطور که قلعه انسان را از گزند دشمنان در امان نگه می‌دارد، ایمان نیز انسان را از گزند گناه و معصیت و عذاب الهی محافظت می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴)

می‌توان چنین استنباط کرد که شیخ طوسی این تشبیه را به منظور نمایش قدرت و استحکام ایمان در محافظت از انسان‌ها در برابر مشکلات و فتنه‌ها ذکر می‌کند، او تأکید دارد که ایمان، همانند قلعه‌ای مستحکم، افراد را از خطرات و آسیب‌های معنوی حفظ می‌کند و مانع از سقوط آن‌ها در دام انحراف و گمراهی می‌شود.

تمثیل حکایتی:

این آیه می‌تواند به عنوان حکایتی از ایمان پیامبر (ص) و مؤمنان و تسلیم بودن آنها در برابر اوامر الهی در نظر گرفته شود. پیامبر (ص) و مؤمنان به مثابه سربازانی شجاع و مطیع معرفی شده‌اند که با ایمان راسخ به خداوند و پیامبران، در برابر فرمان‌های الهی تسلیم هستند، از نظر علامه طباطبائی، هدف از این حکایت، تبیین مفهوم ایمان و تسلیم بودن در برابر اوامر الهی و تشویق به عمل صالح است (طباطبائی، ۱۳۷۴)

می‌توان چنین استنباط کرد که شیخ طوسی به این حکایت توجه کرده و آن را برای بیان وحدت و انسجام مؤمنان در ایمان و اطاعت از خداوند و پیامبران او ذکر می‌کند، او تأکید دارد که مؤمنان باید به تمام پیامبران الهی ایمان داشته و در برابر فرمان‌های الهی تسلیم باشند، زیرا ایمان حقیقی در پذیرش کامل وحی و عمل به دستورات الهی تجلی می‌یابد.

لَا يَكُ لَكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعُهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۸۶)

تمثیل تشبیهی:

در این آیه، تکلیف الهی به "بار" تشبیه شده است تا سنگینی و دشواری برخی از تکالیف الهی را به تصویر بکشد، همانطور که حمل بار سنگین برای افراد ضعیف دشوار است، انجام برخی از تکالیف الهی نیز برای بعضی از انسان‌ها دشوار است.

می‌توان چنین استنباط کرد که این تمثیل‌ها بیانگر ارتباط میان عدالت، رحمت و مالکیت الهی هستند و نشان می‌دهند که خداوند، تکالیف را بر اساس توان انسان‌ها قرار می‌دهد و در مواقع ناتوانی، راه مغفرت و رحمت خود را باز می‌گذارد.

تمثیل حکایتی:

این آیه می‌تواند به عنوان حکایتی از عدالت و رحمت الهی و درخواست انسان‌ها برای مغفرت و کمک الهی در نظر گرفته شود، خداوند به مثابه حاکمی عادل و مهربان معرفی شده است که بندگان خود را به اندازه توانشان تکلیف می‌کند و در صورت فراموشی یا خطا، آن‌ها را مورد عفو و بخشش قرار می‌دهد.

می‌توان چنین استنباط کرد، شیخ طوسی این حکایت را به منظور تبیین عدالت و رحمت الهی می‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که خداوند با در نظر گرفتن ظرفیت‌های فردی، تکالیف را تعیین کرده و در صورت اشتباه یا خطا، عفو و کمک الهی در دسترس است.

تمثیل استعاری:

در این آیه، از خداوند به "مولا" (سرپرست) تعبیر شده است تا مالکیت، سلطنت و تصرف تام او بر تمام هستی و بندگان به تصویر کشیده شود. از نظر علامه طباطبائی، همانطور که سرپرست، مالک و صاحب اختیار اموال و رعایا خود است، خداوند نیز مالک و صاحب اختیار تمام هستی و بندگان خود است (طباطبائی، ۱۳۷۴). می‌توان چنین استنباط کرد، شیخ طوسی این استعاره را برای بیان تصرف و مالکیت کامل خداوند بر هستی و بندگان به کار می‌برد، او تأکید می‌کند که خداوند به عنوان مولا، تمامی امور جهان و بندگان را تحت نظر و کنترل دارد و بخشش و رحمت او به تمامی مخلوقات شامل می‌شود.

نتیجه:

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تمثیلات در تفسیر آیات ۲۷۵ تا ۲۸۶ سوره بقره در تفسیر التبیان شیخ طوسی انجام شد، با بررسی تمثیل‌ها و تشبیه‌های موجود در آیات قرآن، می‌توان به این نتیجه دست یافت که این تمثیل‌ها نه تنها ابزارهای بلاغی برای فهم بهتر مفاهیم دینی هستند، بلکه نقش حیاتی در تبیین و تحلیل آموزه‌های اسلامی ایفا می‌کنند. در این مقاله، به تحلیل عمیق و کاربردی

تمثیل‌ها و تشبیه‌های مختلفی پرداخته‌ایم که به‌ویژه در آیات مورد اشاره، به ارائه تصویری روشن از مفاهیم پیچیده‌ای چون ایمان، مسئولیت، و رحمت الهی کمک می‌کند، با مقایسه این تمثیل‌ها با تحلیل‌های واژگانی ارائه‌شده در آثار مفسران، نشان می‌دهیم که فراتر از توصیف‌های ظاهری، می‌توان به عمق معانی و آموزه‌های دینی رسید. این نوآوری در رویکرد به تمثیل‌ها، ما را به درک بهتری از روابط معنایی و تأثیرات آن‌ها بر رفتار و نگرش مؤمنان رهنمون می‌سازد، همچنین نتایج نشان داد که اگرچه شیخ طوسی به طور مستقیم به تمثیلات اشاره نکرده است، اما با تحلیل دقیق واژگان و ساختار جمله‌ها، می‌توان به وجود تمثیلات تشبیهی، حکایتی و استعاری در تفسیر ایشان پی برد. این تمثیلات، به ویژه در قالب تشبیه و استعاره، نقش مهمی در تبیین مفاهیم پیچیده و ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب ایفا کرده‌اند، با این حال، شیخ طوسی بیشتر بر تحلیل واژگانی و ذکر اشعار متناسب با موضوع آیه تکیه کرده است.

پیشنهادهای:

برای درک بهتر نقش تمثیلات در تفسیر *التبیان*، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی سایر آیات قرآن در این تفسیر پرداخته و آن را با تفاسیر دیگر مقایسه کنند. این مقایسه می‌تواند نشان دهد که شیخ طوسی در تفسیر خود چگونه از تمثیل استفاده کرده و این رویکرد در برابر سایر مفسران چه تفاوت‌هایی دارد.

همچنین، با توجه به محدودیت زمانی این پژوهش، امکان بررسی تطبیقی گسترده‌تری میان تفاسیر مختلف فراهم نشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران بعدی با اختصاص زمان کافی، این مقایسه را به‌طور جامع‌تری انجام دهند تا ابعاد بیشتری از نقش تمثیل در تفاسیر قرآنی روشن گردد.

منابع:

- اکبری، سعید؛ طایفی، شیرزاد. (۱۳۹۴). درآمدی انتقادی بر شیوه‌های بیان مفاهیم اخلاقی در حکایت‌های تمثیلی و جانوری. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۲۸، پایگاه نورمگز.
- حسینی کازرونی، سید احمد. (۱۳۹۴). تمثیل و ادبیات تمثیلی. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۲۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، پایگاه نورمگز، صفحات ۱۳-۲۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.
- طوسی، شیخ (۱۴۰۴)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، دارالکتب الإسلامیه.

- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ج ۲، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کمرهای، محمد باقر (۱۳۹۸)، تفسیر و تفسیرشناسی: ساختار و روش، انتشارات دانشگاهی، ص ۴۵.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۶)، المنجد فی اللغة والأعلام فارسی، ترجمه: ریگی، محمد بندر، انتشارات ایران، ج ۲.
- محمدی کله سر، علیرضا. (۱۳۹۲). روایت‌شناسی تمثیلی داستانی. عنوان نشریه، ۱(۱)، ۵-۲۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمد قاسمی، حمید (۱۳۸۴)، تمثیلات قرآن و جلوه‌های تربیتی آن، ج ۱، تهران: اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران، شماره دیجیتالی ۴۸۲۷.
- رضازاده، نیلوفر، جستاری بر انواع تمثیل در مثل‌ها و قصه‌های قرآن کریم، شاهرودی، فاطمه، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، شماره آذر ۱۳۹۱، شماره ۱۸۰ صفحات: ۵۷ تا ۶۸.
- رضایی جمکرانی، احمد. شبیه تمثیل و استعاره تمثیلیه در کتب بلاغی، نشریه ادب پژوهی، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۳۴، صفحات ۳۳ تا ۵۵.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ هـ ق)، ج ۱، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۱، لبنان-بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ ۳.
- زکی، یوسف (۱۳۹۸)، سبک‌شناسی، انتشارات دانشگاهی.
- قادری، قادر. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی استعاره تمثیلیه در قرآن کریم. مجله علمی-پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۲۹، ۲۱-۴۵.

Referanc

- Akbari, Saeed; Ta'ifi, Shirzad. (2015). A Critical Introduction to the Methods of Expressing Moral Concepts in Allegorical and Animal Fables. *Literary Research Quarterly*, Issue 28, Noormagz Database.
- Hosseini Kazerooni, Seyed Ahmad. (2015). Allegory and Allegorical Literature. *Literary Research Quarterly*, Issue 23, Boushehr Branch of Islamic Azad University, Noormagz Database, Pages 13-24.
- Shafii Kadkani, Mohammadreza. (1996). *The Imagery in Persian Poetry*. Tehran: Agah Publishing.
- Tusi, Sheikh. (1984). *Al-Tibyan Fi Tafseer Al-Qur'an*, Volume 2, Dar Al-Kutub Al-Islamiya.
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (1995). *The Translation of Al-Mizan Tafseer*, Volume 2, Translated by Mohammad Baqir Mousavi, Qom: Society of Seminaries of Qom, Iran.
- Kamarai, Mohammad Baqir. (2019). *Tafseer and Tafseerology: Structure and Method*, Academic Publishing, p. 45.
- Maalouf, Louis. (2007). *Al-Munjid Fi Lughah wa Al-A'lam* Persian Edition, Translated by Mohammad Reigi, Bandar Iran Publishing, Volume 2.
- Mohammadi Kalesar, Alireza. (2013). Allegorical Narrative Semiotics. *Journal Name*, 1(1), 5-28.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1992). *Tafseer Nameh*, Volume 2, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiya.

- Mohammad Qasemi, Hamid. (2005). *Allegories in the Qur'an and Their Educational Aspects*, Volume 1, Tehran: Esva - The Organization for Endowments and Charitable Affairs of the Islamic Republic of Iran, Digital Number 4827.
- Rezazadeh, Niloufar. Allegorical Types in Proverbs and Stories of the Qur'an. Shahroodi, Fatemeh. (2012). *Ma'hnameh Elmiyyeh Tarviji Ma'rifat*, Issue 1^{۸۰}, Pages 57-68.
- Rezaei Jamkarani, Ahmad. Allegory and Allegorical Metaphor in Rhetorical Books. *Adab Pizhuyi Quarterly Journal*, Winter 2015, Issue 34, Pages 33-55.
- Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar. (1988). *Al-Kashaf An Haqa'iq Ghawamidh Al-Tanzil wa Uyun Al-Aqa'il Fi Wujuh Al-Ta'wil*, Volume 1, Lebanon - Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, 3rd Edition.
- Zaki, Yusuf. (2019). *Stylistics*, Academic Publishing.
- Qadri, Qader. (2013). Stylistics of Allegorical Metaphor in the Qur'an. *Scientific-Research Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature*, Issue 29, Pages 21-45.

